

جایگاه قبض در عقد رهن: مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران و افغانستان

نویسندگان: پوهنمل دکتور عصمت الله محمدی و دکتور محمود کاظمی

استادان پوهنتون هرات و دانشگاه تهران

چکیده

در مورد قبض مرهونه در عقد رهن در فقه اسلامی اختلاف نظرهای شدیدی وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان آن را معرکه آراء دانست؛ عده‌ای آن را شرط دانسته و عده‌ای شرط نمی‌دانند، بلکه آن را از آثار عقد رهن به حساب می‌آورند. طرفداران نظریه‌ی شرط بودن قبض نیز دو دسته اند: برخی آن را شرط صحت عقد دانسته و برخی دیگر آن را شرط لزوم عقد می‌دانند. آثار عملی این اختلاف نظر و محدودیت‌هایی که نظریه «شرط بودن قبض مرهونه» در خصوص موضوع عقد رهن و انعقاد آن عقد می‌تواند ایجاد کند بر کسی پوشیده نیست. قانون مدنی ایران ظاهراً به تبعیت از نظر مشهور در فقه امامیه، قبض مرهونه را شرط صحت رهن دانسته و تنها رهن اموال مادی را پذیرفته است (ماده ۷۷۲ ق.م.ا.؛) اما قانون‌گذار افغانستان به تبعیت از فقه حنفی، به قبض مرهونه اهمیت کم‌تری داده و صرفاً از آن به عنوان شرط لزوم رهن یاد کرده است و رهن دین را نیز پذیرفته است. در شرایط فعلی که رهن، نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال از طریق کمک به حصول قرضه‌های کوچک و بزرگ تجاری، پیدا کرده است و گونه‌های مختلفی از اموال غیرمادی (اموال معنوی) که در دنیای امروز عرض وجود کرده اند، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ یقیناً با تبیین مفهوم دقیق قبض و جایگاه آن در عقد رهن قانون‌گذار خواهد توانست با استفاده از مبانی فقهی، اشکال مختلفی از رهن مقبوض و غیر مقبوض را جایگزین رهن سنتی نموده تا اشخاص بتوانند با استفاده از آن مشکلات تأمین مالی خویش را به ویژه در تطبیق پروژه‌های بزرگ اقتصادی، مرتفع نموده و بستر رشد و توسعه را فراهم سازند.

کلمات کلیدی: قبض مرهونه، شرط صحت، رکن، رهن مقبوض، رهن غیر مقبوض.